



پیشرو

نورگانی سازمانی کوردستانی حیزبی کومونیستی ایران - کومه له

ترجمه فارسی ضمیمه ۱، پیشرو کردی شماره ۱۰۵ (۳۰ آذر ماه ۲۱، ۶۳۵ دسا مبر ۸۴)

حزب دمکرات :

سوسیالیسم یا سرمایه داری ؟

بحث کوتاهی درباره :

“ بحث کوتاهی درباره سوسیالیسم ”

جعفر شفیعی

آزادی. برابری. حکومت کارگری



پیشرو

نورگانی سازمانی کوردستانی حیزلی کومونیستی ایران - کومنه له

ترجمه فارسی ضمیمه ۱، پیشرو کردی شماره ۱۰ (۴۵ دریا ۱۰۶۳۰ دسا ۲۱۰۶۴) (۸۴)

حزب دمکرات : سوسیالیسم یا سرمایه داری ؟

بحث کوتاهی درباره :

”بحث کوتاهی درباره سوسیالیسم“

جملز شفعی

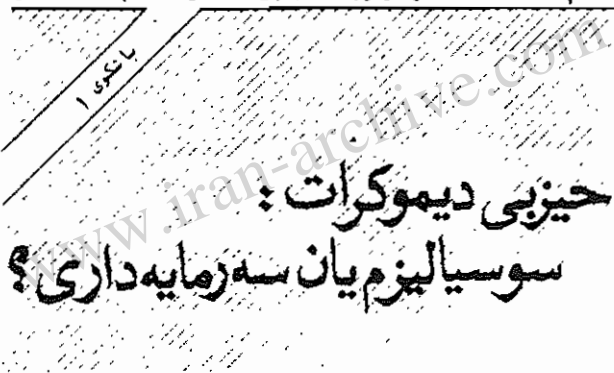
آزادی، برابری، حکومت کارگری



پیشرو

نورگانی - زمانی کوردستانی - حزب کومونیستی ایران - کومه له

شماره ۱۰ - ۳۰ - شماره ویزی ۱۳۶۲ (۲۱ دسامبر ۱۹۸۴) - ۵ شمن



حزبی دیموکرات : سوسیالیزم میان سه سرمایه داری ؟

گورته یاسینک له سهو :

”گورته یاسینک له سهو : سوسیالیسم“

به معرفی شه بهی

تازادی . به درابه ری ، حکومتی کارگری

مقدمه

زمستان سال گذشته حزب دمکرات کردستان ایران جزوه‌ای تحت عنوان " بحث کوتاهی درباره سوسیالیسم " منتشر کرد . این جزوه در کنگره ششم تصویب شد و بصورت یک سند رسمی حزب دمکرات درآمد .

تا روپود جزوه " بحث کوتاهی درباره سوسیالیسم " از ابتداتا به آخر طوری بافته شده است تا وانمود کند و بقبولاند که گویا در کردستان طبقه کارگر - بمثابه یک طبقه مستقل که منافع و مصالح وی تفاوت اساسی با منافع و مصالح بورژوازی دارد و تضادی عمیق و گسترده و آشتی ناپذیر آنها را از هم جدا می کند- وجود ندارد ؛ مبارزه مستقل طبقه کارگر در راه دموکراسی و سوسیالیسم مفهومی ندارد و بویژه کارگران و زحمتکشان کردستان نیازی ندارند به اینکه در حزب طبقاتی خود گردهم آیند، انقلاب کنند و برای حکومت کارگری بکوشند . " بحث کوتاه " این وظیفه را برعهده دأرد که مانع از اراده کارگران و زحمتکشان کردستان برای مبارزه مستقل - مستقل از هر دسته و گروه بورژوائی و خرده بورژوائی - در راه دموکراسی و سوسیالیسم شده ، آنها را فریب دهد و در یک انتظار بی پایان آنان را به بند بکشد . " بحث کوتاهی درباره سوسیالیسم " در واقع بحثی طولانی است برای قبولاندن این مطلب که سوسیالیسم برای کارگران و زحمتکشان کردستان نه ممکن است و نه ضروری . " بحث کوتاه " برای رسیدن به این اهداف ابتدا خود را

مخالف با نظام سرمایه‌داری و خواهان سوسیالیسم قلمداد می‌کند تا همه را مطمئن کند که: زحمتکشان کردستان بعلت عقب ماندگی کردستان نمیتوانند به سوسیالیسم برسند وگرنه حزب دمکرات خود " طرفدار بسیار پیگیر سوسیالیسم است " .

جزوه پس از این اطمینان خاطر دادن، شروع به انکار واقعیات جامعه کردستان می‌کند، آن واقعیاتی که زمینه مادی سوسیالیسم را تشکیل میدهند: انکار سرمایه‌داری بودن کردستان، انکار وجود کارگران بعنوان یک طبقه مستقل، انکار مبارزه طبقاتی و دست آخر حواله کردن سوسیالیسم به آینده‌ای بسیار نامعلوم و درواقع به ابد .

آنگاه " بحث کوتاه " با نفي و تحریف دیکتاتوری پرولتاریا و فاداری خود را به نظام سرمایه‌داری مجددا اعلام می‌کند .
" بحث کوتاه " سپس از یک طرف با قلمداد کردن امپریالیسم شوروی بعنوان یک کشور سوسیالیستی میخواهد سوسیالیسم را در نظر کارگران و زحمتکشان زشت جلوه دهد و از طرفی دیگر با ابراز چند انتقاد لیبرالی از دولت شوروی و تجلیل از حزب " کمونیست " فرانسه و سوسیالیسم دمکراتیک، فاصله گرفتن خود را از به اصطلاح " اردوگاه سوسیالیسم " و سرازیر شدن بسوی سوسیال دموکراسی اروپا و بطور کلی بطرف غرب را اعلام نماید .

جایگاه " بحث کوتاه " در مبارزه طبقاتی موجود در کردستان

" بحث کوتاه " در آغاز بذرستی می‌گوید: حزب دمکرات کردستان ایران، حزبی " مارکسیست " یا " مارکسیست - لنینیست " یا " کمونیست " و بطور کلی " حزب طبقه کارگر " نیست. بنا براین ببینیم حزب دمکرات با صحبت کردن از سوسیالیسم چه هدفی را دنبال می‌کند؟ :

" این حزب میخواهد جنبش خلق کرد را رهبری کند، اگر حزبی کاملاً ناسیونالیستی و " ملی " باشد، یعنی تنها حل مسئله ملی را

در نظر داشته باشد، نتیجه‌اش این خواهد بود که از یک طرف معضلات اجتماعی را همچنان لاینحل باقی می‌گذارد و بدین ترتیب بدست آوردن حقوق ملی امری بی حاصل خواهد بود؛ از طرفی دیگر از آنجائیکه بهر حال نمیتوان معضلات را به فراموشی سپرد، لاجرم حزب دیگری بوجود خواهد آمد که بر حل این معضلات تکیه می‌کند و بدین ترتیب بخش بزرگی از زحمتکشان کردستان را بسوی خود جلب می‌کند" (۱) (تاکید از ماست)

در اینجا ما وارد این بحث نمی‌شویم که بیان مطلب فوق تهی کردن سوسیالیسم از هرگونه مضمون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است، بلکه این نکته را برجسته می‌کنیم که "بحث کوتاه" با صحبت از سوسیالیسم میخواهد مانع از صف‌بندی طبقاتی کارگران، استقلال آنان و گردآمدن به دور حزب خودشان - حزب طبقه کارگر - بشود. حزب دمکرات اگرچه "حزب طبقه کارگر نیست"، اما بخوبی میداند که کارگران و زحمتکشان کردستان مخالف وضع موجودند، از زندگی مشقت‌بار کنونی شان، از بیکاری، گرانی، نداشتن مسکن و بهداشت و درمان، محروم بودن از هرنوع حقوق انسانی و... به تنگ آمده‌اند. همچنین حزب دمکرات میداند که چنین شرایطی کارگران و زحمتکشان را هرچه بیشتر بسوی حزب خودشان - حزب طبقه کارگر - می‌کشاند، بسوی حزبی که پیشاهنگ و حافظ منافع حال و آینده آنها بوده و مبارزه آنان را برای دموکراسی و سوسیالیسم علیه بورژوازی، در هر شکل و هر لباسی، رهبری می‌کند. بنابراین این بخاطر اینکه مبادا چنین حزبی موجودیت یابد و بر معضلات اجتماعی تکیه کند (ونه تنها معضلات اجتماعی بلکه منشا تمامی مشقات و بدبختی کارگران و زحمتکشان) و "بدین ترتیب بخش بزرگی از زحمتکشان کردستان را بسوی خود جلب کند"، و آنها را

علیه حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داران بشورانند و مبارزه آنان را در راه رسیدن به سوسیالیسم رهبری کند، حزب دمکرات ناچاراً از سوسیالیسم سخن می‌گوید تا بلکه از این طریق کارگران و زحمتکشان کردستان از همین امروز دست‌آموز بی‌سروصدا و بی‌اراده سیاست‌های حزب دمکرات بوده و به فکر سرنوشت خویش نباشد.

تنها با یک نگاه بر شرایط کنونی کردستان ایران، روشن میشود که نگرانی حزب دمکرات از آگاه شدن کارگران و زحمتکشان و مستحکم شدن صف مستقل آنان بی‌پایه نیست:

اکنون در کردستان سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی کارگران و زحمتکشان آشکارا بالا رفته است. روزبروز بیشتر متوجه حقایقی میشوند که از جانب کومه‌له درباره زندگی شان، استثمار شدنشان در نظام سرمایه‌داری، فقر و بیچارگی و بی‌چیزی شان و همچنین راه‌هایی شان ابراز میشود. علاوه بر اینها آن دموکراسی پیگیر و انقلابی که کومه‌له پرچمدار آن در میان توده‌های وسیع زحمتکشان کردستان است، بیشترین طرفدار دارد، طوریکه آشکارا سطح خواست‌های سیاسی - اجتماعی و اقتصادی توده‌های زحمتکش از جنبش انقلابی خلق کرد به سطح بالایی ارتقاء یافته است.

به میدان آمدن کارگران آگاه در جنبش کنونی کردستان و قرار گرفتن آنان در رهبری جنبش، سیمای تازه‌ای به این جنبش بخشیده است؛ این امر سبب شده است که کارگران و زحمتکشان کردستان، جدا از بورژوازی کرد - و نه تنها جدا بلکه با مبارزه علیه ناپیگیری، خیانتها و خنثی کردن توطئه‌های بورژوازی کرد - جنبش انقلابی خلق کرد را بسوی پیروزی، بسوی دموکراسی وسیع و پیگیر، رهبری کنند.

در چنین شرایطی است که بورژوازی کرد در زیر فشار واقعیات زندگی جامعه از روی ناچاری به جامعه سوسیالیسم درآمده و با این سیمای علیه استقلال کارگران و زحمتکشان مبارزه می‌کند.

اینست جایگاه طبیعی " بحث کوتاه " ! " بحث کوتاه " انعکاسی است از مبارزه طبقاتی موجود در کردستان میان پرولتاریا و بورژوازی کرد .

برای سوسیالیسم یا برای سرمایه‌داری ؟

" بحث کوتاه " آنچنان از وفاداری حزبی به سوسیالیسم سخن می‌گوید که برای خواننده هیچ شک و شبهه‌ای باقی نماند . به این چند جمله از " بحث کوتاه " توجه کنید :

" حزب دمکرات کردستان ایران خواستار آنست که استثمار‌ردر جامعه بکلی ریشه‌کن شود و بهمین منظور ایجاد سوسیالیسم را بمثابه یک هدف نهایی برای جامعه خودمان در نظر می‌گیرد " (صفحه ۳) و یا " سوسیالیسم بعنوان نظامی که ضد سرمایه‌داری است به میدان آمده - و هنگامیکه ما می‌گوئیم خواهان سوسیالیسم هستیم ، بدین معناست که سرمایه‌داری را رد می‌کنیم و این اعتقاد را پیدا کرده‌ایم که سرمایه‌داری به مثابه یک نظام اجتماعی از سوی تاریخ محکوم است " (صفحه ۷) ، یا " حزب دمکرات کردستان ایران طرفدار بسیار پیگیر سوسیالیسم است و برای استقرار سوسیالیسم مبارزه می‌کند " . (صفحه ۳۵)

اینهمه سوگند یاد کردن به سوسیالیسم به چه منظور است ؟ برای نفی سرمایه‌داری است یا نفی سوسیالیسم ؟ بعقیده ما برای این دومی است . ببینیم چگونه :

منشاء ضرورت عینی سوسیالیسم ، وجود روابط سرمایه‌داری و نظام سرمایه‌داری بطور کلی است و سوسیالیسم خود پاسخ انقلابی طبقه کارگر به این نظام است . " بحث کوتاه " وجود این سنگ بنا ، این زمینه‌های مادی یعنی وجود روابط سرمایه‌داری در کردستان را انکار می‌کند تا بقبولاند که در کردستان نه طبقه کارگری وجود دارد و نه انقلاب سوسیالیستی لازم است .

"... این درست است که جامعه کردستان وارد مرحله سرمایه داری شده است، اما هنوز بطور کامل خود را از روابط عصبی فئودالیسم رها نکرده است. ترکیب اجتماعی کشورمان، ترکیب طبقاتی جامعه ما با جامعه‌ای سرمایه‌داری تفاوت اساسی دارد." (۲)

"... بدیهی است هنگامیکه ما می‌گوئیم مرگ بر امپریالیسم در واقع علیه سرمایه‌داری شعار داده‌ایم زیرا که امپریالیسم سیستم جهانی مرحله کنونی سرمایه‌داری است. اما اگر در مورد وضع داخلی کردستان صحبت کنیم، مسئله را باید به‌گونه‌ای دیگر در نظر گرفت، یعنی ابتدا باید پرسید که ما در کردستان علیه کدام سرمایه‌داری باید شعار بدهیم؟ این سرمایه‌داری در کجاست؟" (۳)

"اکنون در کردستان ثروتمند وجود دارد اما سرمایه‌داری آنچنانی به چشم نمی‌خورد" (۴) در کردستان کنونی مطرح کردن شعار علیه سرمایه‌داری ضرورتی ندارد... (۵) (تاکید از ماست)

هر زحمتکش آگاهی در کردستان، با شنیدن این سخنان بدون هیچگونه تعبیر و تفسیری میتواند قضاوت که که "بحث کوتاه" زبان راستگوی کدامین طبقه و گروه اجتماعی است. این سرمایه و سرمایه داری که "بحث کوتاه" می‌خواهد هرطور شده روی آن پرده ساتر بکشد، برای کارگران و زحمتکشان در نهان نیست. آنها در زندگی روزمره‌شان در کارکردن روزانه‌شان، در استثمار و در مبارزه‌شان، هر لحظه و هر آن، این سرمایه و سرمایه‌داری را می‌بینند. اما "بحث کوتاه" اینهمه توده کارگر و زحمتکش کردستان را که غیر از نیروی بازوانشان هیچ چیز دیگری ندارند و برای تامین زندگی شان ناچارند کار کنند، این نیروی کار را بفروشد و در مقابل آن مزد دریافت کنند، اسمشان را چه میگذارد؟ اینها کیستند؟ و به

جز سرمایه چه چیز دیگری آنها را استثمار می کند ؟

" جامعه کردستان با جامعه‌ای سرمایه‌داری تفاوت اساسی دارد، معنایی ندارد جز اینکه در کردستان کارگر به چشم نمی‌خورد تلاش " بحث کوتاه " اینست که جامعه کردستان را از شکل یک جامعه سرمایه‌داری بیندازد و اینگونه نشان دهد که در کردستان از کارگر و سرمایه‌دار و از استثمار خبری نیست و بنا بر این مبارزه طبقاتی، مبارزه کارگران علیه حاکمیت سرمایه ضرورتی ندارد. با بیان این مطلب " بحث کوتاه " در واقع صحبت از غیرممکن بودن و لازم نبودن سوسیالیسم می کند. اما بهر حال، بدلیل اینکه " نمیشود معضلات اجتماعی را به فراموشی سپرد، " و برخلاف تمایل " بحث کوتاه " توده‌های کارگر و زحمتکش برای رهایی خویش مبارزه میکنند و حقانیت سوسیالیسم انکارناپذیر است، " بحث کوتاه " طرح خود برای متوهم کردن، فریفتن و در انتظار نگاهداشتن کارگران و زحمتکشان کردستان را بدین سان پی ریزی می کند :

" برای ما استقرار سوسیالیسم اصل بسیار مهمی است. برای رسیدن به این اصل هم‌اکنون سه مرحله استراتژیک را در چشم‌انداز مبارزه خلق کرد می بینیم :

مرحله اول - بدست آوردن خودمختاری. پس از کسب خودمختاری تا فراهم شدن شرایط پیاده کردن سوسیالیسم مرحله دوم را تشکیل میدهد... اگر حزب دمکرات کردستان ایران بتواند برنامه فعلی‌اش را پس از بدست آوردن خودمختاری در مدت ۲۵ سال به اجرا درآورد، موفقیت تاریخی بسیار عظیمی کسب کرده است... بدنبال اجرا شدن برنامه‌مان، شروع می‌کنیم به تهیه یک برنامه تازه برای استقرار سوسیالیسم. این مرحله سوم است " .

مطابق این مرحله - مرحله کردن، کارگران و زحمتکشان کردستان نباید از هم‌اکنون خود را برای انقلاب سوسیالیستی آماده کنند، نباید در برابر سرمایه‌داران و سرمایه‌ایستادگی کنند، نباید

اقدام به مبارزه طبقاتی کنند) اگرهم تاکنون اینکار را کرده‌اند از آن دست بردارند؛ زیرا مرحله فعلی مرحله اول و کسب خود - مختاری است. (درحالیکه کارگر سوسیالیست، کارگری که از هم اکنون با ایدئولوژی و سازمان سوسیالیستی مبارزه می‌کند، میتواند پیگیرترین فرد و نیرو برای حل مسائل دموکراتیک باشد).

همچنین مطابق این مرحله - مرحله کردن، پس از کسب خود - مختاری هم کارگران و زحمتکشان کردستان نباید به مبارزه طبقاتی دست زده و علیه حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داران ایستادگی کنند، زیرا که هنوز برنامه حزب دمکرات پیاده نشده است و ۲۵ سال دیگر هم باید دست روی دست گذاشته و منتظر بمانند. در نگاه اول، اینطور به نظر می‌رسد که صحبت " بحث کوتاه " برای کارگران و زحمتکشان کردستان اینست که تا ۵۰ سال دیگر (۲۵ سال برای خود - مختاری و ۲۵ سال دیگر هم برای پیاده کردن برنامه حزب دمکرات) چشم انتظار باشند و سخنی هم از سوسیالیسم نگویند، اما ما اکنون نشان می‌دهیم که چگونه این ۵۰ سال سر به ابدیت می‌کشد و " بحث کوتاه " سوسیالیسم را برای کارگران و زحمتکشان کردستان به یک آرزوی آسمانی تبدیل می‌کند، آرزویی که هیچگاه به آن نخواهند رسید .

تبلیغ اتوپی سرمایه‌داری مستقل و متمدنی به منظور

جلوگیری از مبارزه مستقل کارگران

مطالب " بحث کوتاه " بطور کلی - چه هنگامیکه درباره کردستان صحبت می‌کند و چه وقتیکه درباره معضلات استقرار سوسیالیسم در شوروی سخن می‌گوید، اساسا حول عقب ماندگی اقتصادی و ضرورت رشد سرمایه‌داری دور میزند و جوهر اصلی مطلب اینست که چون کردستان از لحاظ صنعتی عقب افتاده است، بنابراین - سوسیالیسم برای کارگران و زحمتکشان کردستان عملی نبوده و ضرورتی

برای کار کمونیستی در میان کارگران و انقلاب سوسیالیستی نیست و تا زمانیکه کردستان دارای صنعت پیشرفته عصر حاضر نباشد، هرنوع کوششی برای رسیدن به سوسیالیسم آب در ها و ن کوبیدن است. ببینیم برنامه حزب دمکرات برای " تشکیل شرایط مناسب به منظور استقرار سوسیالیسم " چه می گوید :

" ۱۶ - راه اصلی پیشرفت اقتصادی کردستان و سراسر ایران صنعتی کردن کشور مطابق با دستاوردهای علم و تکنیک از طرفی و نیازمندی ها و امکانات طبیعی کشور، از سوی دیگر است. ایجاد یک دگرگونی بنیادی اقتصادی و اجتماعی، که برای صنعتی کردن ضروری است، یکی از اساسی ترین وظایف دولت مرکزی و نیز حکومت خودمختار کردستان است.

۱۷ - حکومت خودمختار کردستان توسط بخش عمومی اقتصادی که بخش اساسی برای پیشرفت اقتصادی محسوب میگردد، صنایع پیشرفته را در کردستان تاسیس می نماید و "۰۰۰" (۶)

ایجاد صنعت پیشرفته و تغییر جایی مثل ایران همانند کشورهای صنعتی اروپا (در چهارچوب نظام سرمایه داری)، خواب و خیالی است که در کشورهای عقب افتاده و تحت سلطه امپریالیسم از جانب اپوزیسیونهای بورژوازی - مانند حزب دموکرات - پرداخته میشود تا کارگران و زحمتکشان راه مبارزه سیاسی و طبقاتی شان را گم کرده و در برابر نظام سرمایه داری سر تسلیم فرود آورند. هم واقعیات دنیای امروز و هم قوانین نظام سرمایه داری عصـر امپریالیسم تخیلی بودن این ادعاها را اثبات می کنند .

ویژگی کشورهای تحت سلطه مانند ایران عبارتست از استثمار شدید کارگران و زحمتکشان، پایمال شدن هرنوع حقوق دموکراتیک و انسانی

و تسلط دیکتاتوری و ارتجاع . اینست جایگاه ایران در تقسیم کار جهانی امپریالیسم . نیاز سرمایه امپریالیستی به کسب سود وسیع و فراوان، سبب ایجاد این شرایط میشود . حتی اگر صحبت از صنعت هم بشود، هر نوع رشد صنعتی نیز برپایه نیاز سرمایه امپریالیستی و برای تشدید استثمار کارگران صورت میگیرد . در اینجا لازم به توضیح است که تبدیل کشوری مانند ایران، به یک کشور صنعتی اروپایی، با منافع سرمایه امپریالیستی که سکان اقتصاد جهانی را در دست دارد، تضادی وسیع و عمیق دارد و بهمین دلیل تا زمانیکه نظام سرمایه داری در کشوری مانند ایران برقرار بماند ، امکان شکوفا شدن صنعت همانند کشورهای اروپایی وجود ندارد.*

در این دوران ، در دوران امپریالیسم، تنها در جامعه سوسیالیستی رشد وسیع و همه جانبه نیروهای تولیدی و صنعت ، و بهره مند شدن توده های مردم از کلیه دستاوردهای مادی و معنوی جامعه امکان پذیر خواهد بود .

در ایران نیز (با کردستان هم) تنها پاسخ انقلابی طبقه کارگر به نظام سرمایه داری ، سوسیالیسم است . اگرچه بعلت تحت سلطه بودن ایران استقرار سوسیالیسم از میان یک سلسله انقلابات و قیامها عبور می کند که "به اشکال مختلف راه رسیدن طبقه کارگر به دموکراسی و به قدرت سیاسی را هموار می کند". هرگونه اقدام و اصلاح اقتصادی - از دیدگاه طبقه کارگر - باید در خدمت هموار کردن این راه و فعال تر کردن این مبارزه سیاسی باشد .

در کردستان هم به علت عقب افتادگی آشکار اقتصادی، پرولتاریا برای نیرومند کردن و رشد مبارزه سیاسی و طبقاتی ، اقدامات و اصلاحات اقتصادی فوری را بر بورژوازی تحمیل می کند : اقدامات و اصلاحاتی که بار سنگین و گران مشکلات کار و زندگی توده های

زحمتکش را تقلیل داده و سطح زندگی و رفاه آنان را بالا ببرد و توده‌های زحمتکش بتوانند از دستاوردهای تکنولوژی و فرهنگ بهره‌مند شوند و زمینه‌ای مناسب برای آگاه شدن و مبارزه سیاسی علیه ستم و استثمار سرمایه‌داری ایجاد گردد. از دیدگاه کومه‌له، این سیاست اقتصادی بایستی بر حکومت خودمختار کردستان حاکم باشد.

پرولتاریای آگاه کردستان همراه با پرولتاریای آگاه ایران متحداً و از هم اکنون، بدون هیچ قید و شرطی - تحت رهبری حزب خود - در همه حال به پیش و بسوی استقرار آزادی، برابری و حکومت کارگری، بسوی سوسیالیسم می‌رود و هر اندازه دموکراسی و آزادی‌خواه هر اندازه رفاه و اقدامات اقتصادی را که برایش میسر شود، توشه راه پرتوان کردن این مبارزه پیگیر می‌نماید.

وقتی که "بحث کوتاه" سوسیالیسم را درگروه تحقیق یافتن یک تخیل (مانند تبدیل کردستان به کشوری صنعتی از نوع اروپا) میدانند، در واقع تلاش‌وی بدین منظور است که خود سوسیالیسم را در نظر کارگران و زحمتکشان بصورت آرزو و خیالی درآورد که هیچگاه واقعیت پیدا نمی‌کند. "بحث کوتاه" عمداً واقعیات و زمینه‌مادی سوسیالیسم - یعنی نظام سرمایه‌داری و وجود طبقه کارگر - را نفی کرده و بر روی آن پرده ساطر می‌افکند. و در مقابل فریبکارانه سراب و اتوپی را جایگزین آن می‌کند. اما جوهر و مضمون اصلی برنامه حزب دمکرات چیست؟ برنامه حزب دمکرات که دو بند آنرا فوقاً ذکر نمودیم، در واقع برنامه‌ایست برای دفاع از سرمایه‌داری دولتی در ایران تحت سلطه امپریالیسم و همچنین استقرار حکومتی بوروکراتیک در کردستان در چهارچوب این نظام. اینست آن "پیروزی تاریخی بسیار عظیم" که "بحث کوتاه" وعده آنرا میدهد. فعالیت‌کنونی حزب دمکرات در شورای ملی مقاومت برای ایجاد یک جمهوری اسلامی دیگر - جمهوری "دموکراتیک" اسلامی - و مهر کردن

طرح شوونیستی شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان بخشی از آن " پیروزی تاریخی بسیار عظیم" و مظهري است از " برنامه برای فراهم کردن شرایط استقرار سوسیالیسم"! اما " بحث کوتاه" با انکار وجود طبقه کارگر و روابط سرمایه‌داری در کردستان و با تلاش برای حفاظت و پابرجا ماندن سرمایه، نه تنها سوسیالیسم، بلکه دموکراسی را نیز به آنچنان اوهام و خیالاتی بدل می‌کند که تحقق آنها امکان پذیر نباشد. در کشور تحت سلطه‌ای همچون ایران، دفاع از سرمایه و حاکمیت طبقه سرمایه دار، لازمه‌اش پیمانال کردن هر نوع حقوق دمکراتیک و تسلط دیکتاتوری و ارتجاع است؛ در این نوع کشورها، پیروزی هرگونه جنبش دمکراتیک، کسب هر نوع آزادی و دموکراسی - از آزادی ابراز عقیده گرفته تا برابری حقوق زن و مرد، از آزادی انتخاب گرفته تا برابری حقوق همه ساکنین کشور و... - در گرو مبارزه طبقه کارگر سوسیالیست است، طبقه کارگری که از هم‌اکنون برای سوسیالیسم مبارزه می‌کند و میزان دمکرات بودن هرنیروی سیاسی غیر کارگری از روی اندازه نزدیک بودن آن با مبارزه و تلاش این طبقه تعیین میشود.

" بحث کوتاه" با انکار وجود طبقه کارگر در کردستان، فاش می‌کند که با وجود همه وعده‌های رسمی‌اش در مورد آزادی و دموکراسی، با وجود شعار هر روزه " دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" نه می‌خواهد و نه میتواند دمکراسی و آزادی را تأمین نماید، بلکه برای انجام وظیفه خویش، برای حفظ حاکمیت سرمایه از خطر مبارزه طبقه کارگر، وی نیز نیازمند پیمانال کردن آزادی و دموکراسی میباشد.

عملکردهای ۶ - ۵ ساله حزب دمکرات به روشنی این واقعیات را از همین حالا نشان میدهند. بدین ترتیب ادعای حزب دمکرات مبنی بر تأمین دموکراسی، همچون ادعایش برای استقرار سوسیالیسم

فربکارانه است و ميخواهد تحت پوشش دموکراسی و سوسیالیسم در برابر هر دوی آنها ایستادگی کند و منافع و مصالح کارگران و زحمتکشان را پایمال کند .

" بحث کوتاه " در پی چیست ؟

" بحث کوتاه " در تمام این بالا و پائین کردنها یک هدف را دنبال می‌کند، و آن اینکه از اراده و حضور مستقل کارگران و زحمتکشان کردستان در مبارزه پیگیر علیه نظام سرمایه‌داری و دولت بورژوازی ، از اینکه کارگران کردستان خود از هم اکنون سرنوشت خویش را در دست گیرند و برای رهایی شان بکوشند، ممانعت بعمل آورد .

و تئیکه این " طرفدار بسیار پیگیر سوسیالیسم " ، " پرولتاریا را به تحقق سیستم خویش و وارد شدن به اورشلیم جدید — را میخواند ، در ماهیت امر فقط خواستار آنست که پرولتاریا درهمین جامعه کنونی باقی بماند . ولی اندیشه‌های کینه توزانه خود را درباره این جامعه بدور افکند . " (۷)

در سیستم " بحث کوتاه " نباید کارگران کردستان خود را سازمان دهند و حول حزب خودشان جمع شوند، زیرا حزب دمکرات موجود است و هرچند " حزب طبقه کارگر نیست " ، اما شدیدتر از آنها " بدنبال سوسیالیسم می‌گردد " و " طرفدار بسیار پیگیر سوسیالیسم است " .

در این سیستم لازم نیست کارگران و زحمتکشان کردستان در برابر سرمایه‌داران ایستادگی کنند زیرا " در کردستان آنچنان سرمایه‌داری به چشم نمی‌خورد " و " کردستان با یک جامعه سرمایه‌داری تفاوت اساسی دارد، " و " طرح شعار علیه سرمایه‌داری لازم نیست " . در

این سیستم کارگران و زحمتکشان کردستان باید مطابق با بقاء است
 گلستان سعدی عمل کنند، کار کنند و استثمار شوند و این زندگی
 تلخ را با میل و رغبت قبول کنند (مطمئن هم باشند که هروقت ،
 بعد از ۲۵، ۵۰، ۱۰۰، ۰۰۰ یا هرچند صد سال دیگر وعده سوسیالیسم
 سررسید حزب دمکرات خودش برایشان مستقر خواهد کرد).

این سیستم زنجیری است که می خواهد دست و پای کارگران و
 زحمتکشان کردستان را در رسیدن به دموکراسی و سوسیالیسم ببندد
 و سرمایه داری را از خطر انقلاب کارگران محفوظ دارد . در حالیکه
 سوسیالیسم بدون انقلاب اجتماعی کارگران هرگز مستقر نخواهد شد.

طبقه کارگر برای رهایی خویش و تمامی بشریت هیچ راه دیگری پیش
 پای خود ندارد جز اینکه با نیروی متحد و مستقل خود، در مقابل
 سرمایه و حاکمیت مردم و دستگاه و قوانین سرمایه داری، مبارزه
 نموده منتهای شجاعت و فداکاری را از خود نشان دهد. کارگران
 اگر مبارزه نکنند و اگر هر نوع افکار خرده بورژوازی و بورژوازی
 رابه کناری نینهند، تا به ابد برده باقی خواهند ماند .

اما " بحث کوتاه " در شرایطی نوشته شده و تصویب میشود که
 در کردستان و دردل یک جنبش ملی - دموکراتیک ، مبارزه طبقاتی
 میان پرولتاریا و بورژوازی کرد با مرور زمان وسیع تر و عمیقتر
 میشود و کارگران آگاه و کمونیست هرچه بیشتر سازمان یافته و پر
 توان میشوند و عرصه را بر بورژوازی کرد تنگ می کنند . بهمین
 دلیل است که کوشش و تلاش " بحث کوتاه " به منظور انکار وجود
 سرمایه داری و طبقه کارگر در کردستان در سیستم و تئوری های
 بورژوازی اش ، در واقع به پراتیک و عمل وی برای مقابله با
 پرولتاریای سوسیالیست کردستان در میدان مبارزه سیاسی و عملی ،
 و در دنیای واقعی ، خدمت میکند .

این مبارزه سیاسی - طبقاتی در میان بورژوازی و پرولتاریای
 کردستان در شرایط کنونی اساسا بر محور دموکراسی و حاکمیت

(قدرت سیاسی) دور میزند و برنوع سرنوشت سیاسی که باید در کردستان آزاد شده به مرحله عمل درآید، نظارت دارد: حاکمیت دموکراتیک و انقلابی توده‌ها با تمامی آزادی‌های سیاسی اش (که پرولتاریای آگاه کردستان برای آن مبارزه می‌کند) یا حاکمیتی بوروکراتیک که هرگونه حقوق دموکراتیک و انسانی را پایمال کند (که بورژوازی کرد برای آن مبارزه می‌کند و " بحث کوتاه " زبان حق گوی آنست) ؟

بدین ترتیب " بحث کوتاه " علاوه براینکه از نظام سرمایه‌داری علی‌العموم دفاع می‌کند و برای باقیماندن کارگران و زحمتکشان کردستان در این نظام تلاش می‌کند، میخواهد مانع از رهبری جنبش کنونی کردستان از جانب پرولتاریای کردستان شود و با اینکار رهبری خود و سیاستهایش را بر این جنبش برقرار و آنرا ضمانت کند . درست بهمین دلیل است آنگاه که میخواهد بگوید چرا طرفدار سوسیالیسم است ، در اولین صفحه می‌نویسد :

" آن حزبی که میخواهد جنبش خلق کرد را رهبری کند باید معضلات اجتماعی را از یاد نبرد و گرنه حزبی دیگر پیدا میشود که ... "

تضاد " بحث کوتاه " با دیکتاتوری پرولتاریا :
تضاد طبقه سرمایه‌دار با طبقه کارگر

" بحث کوتاه " از تمام مظاهر استقلال طبقه کارگر و زحمتکش - از وجود داشتن شان گرفته تا حیات و مبارزه سیاسی شان - نگران است . اما بیشترین نگرانی و ترس " بحث کوتاه " آن وقتی است که از حاکمیت سیاسی طبقه کارگر صحبت به میان می‌آید . " بحث کوتاه " برای اینکه آهنگ تلاش و مبارزه مستقیم و کنونی کارگران و زحمتکشان کردستان را کند نماید چشم انداز پیروزی را ، سیاه و تاریک می‌نماید :

" طرفداری از دیکتاتوری پرولتاریا که گاهگاهی از طرف

برخی از اعضای حزب دمکرات مشاهده میشود، کاری قاعده و نامنا سبی است" (۸).

البته اگر منظور "بحث کوتاه" این باشد که طرفداری از دیکتاتوری پرولتاریا در میان صفوف حزب دمکرات کاری بی قاعده و نامناسب است، ما هم موافقیم، واقعا اگر کسی طرفدار دیکتاتوری پرولتاریا باشد، کاری بی قاعده و نامناسی میکند اگر در میان صفوف حزب دمکرات باشد. اما مقصود حزب دمکرات اینست که طرفداری از دیکتاتوری پرولتاریا - بخودی خود - کار نامناسب و بی قاعده ای است.

"حتی اگر بعنوان یک مارکسیست هم مسئله را بنگریم، بهیچ وجه طرفداری از دیکتاتوری پرولتاریا را نباید به مثابه یک اصل بی چون و چرا در نظر گرفت" (۹).

"بحث کوتاه" آنگاه سری به انبار رویزیونیسم می زند و با استفاده از دشمنی و خیانت دهها ساله رویزیونیسم رنگ و وارنگ به ویژه رویزیونیسم نوع شوروی، برای اثبات حرفهایش تلاش میکند:

"حزب کمونیست بزرگی چون حزب کمونیست فرانسه، چندین سال است که رسما دیکتاتوری پرولتاریا را رد کرده است... علاوه بر حزب کمونیست فرانسه، بسیارند احزاب کمونیست دیگری که بر همین عقیده هستند" (۱۰) "حتی اکنون در اتحاد شوروی و در کشورهای سوسیالیستی دیگر نیز بحث دیکتاتوری پرولتاریا باقی نمانده است" (۱۱) "در کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی صحبت از حاکمیت خلق شده است و این نظر تا به امروز هم رد نشده است" (۱۲) [از طرف چه کسی؟]

"بحث کوتاه" میخواهد اینطور وانمود کند که دیکتاتوری

پرولتاریا دموکراسی را ریشه‌کن می‌کند و " با منافع خلقه‌ای ایران و ملت‌کرد که زدها سال زیر ستم استبدادی زیسته‌اند " و " احتیاج فراوانی به آزادی و دموکراسی دارند و میخواهند آزاد باشند و آزاد زندگی کنند " متناسب نیست . برای نشان دادن درستی ادعایش هم از شوروی مثال می‌آورد .

اما هیچکدام از ادعاها و مثالهای " بحث‌کوتاه " به دادش نمیرسند، بلکه درست میان تهی بودن و مضمون ضددموکراتیک و ضد کارگری وی را نشان میدهند .

دیکتاتوری پرولتاریا که " بحث‌کوتاه " عمدا بعنوان " میر غضب " از آن اسم می‌برد، چیزی نیست جز حکومت کارگران ، حکومتی که در آن اکثریت عظیم جامعه - استثمار شدگان - حاکم‌اند، دولت‌اند و سرنوشت جامعه را در دست دارند. در این حکومت ، از دم و دستگاه ارتجاعی و مافوق مردم خبری نیست ، دیکتاتوری پرولتاریا - حکومت کارگران - دموکراسی برای کارگران و جامعه زحمتکش‌ان و ستمدیدگان ، این کامل‌ترین و عالی‌ترین نوع دموکراسی است . بدون این حکومت سوسیالیسم مستقر نمیشود. طبقه کارگر که بقدرت رسیده است ، سرمایه‌داران را از مالکیت خصوصی خلع می‌کند و سرمایه ، کارخانه ، بانک و کلیه وسایل تولید را به مالکیت تمام جامعه درمی‌آورد و تمام مردم را از نعمات و ثروت و مکننت جامعه بهره مند می‌کند و برابری واقعی زن و مرد ، افراد جامعه ، ملتها و ... بوجود می‌آورد. اما سرمایه‌دارانی که از حاکمیت سیاسی و اقتصادی افتاده‌اند ، آرام ننشسته و برای بازگرداندن بهشت خود دست به توطئه‌چینی می‌زنند و می‌کوشند طبقه کارگر را از حاکمیت سیاسی بیندازند و دنیای استثمار قدیم ، دنیای سرمایه‌داری را دوباره زنده کنند . در اینجا است که طبقه کارگر باید با تمام نیرو از حکومت خود دفاع نموده و هرگونه دست‌درازی و توطئه بورژواها را درهم بشکند . کمترین اهمال در حفظ قدرت سیاسی ، آینده سیاهی

را برای طبقه کارگر و زحمتکش بدنبال خواهد داشت .
 تجربه تلخ شوروی که " بحث کوتاه " با نهایت خوشحالی از آن
 مثال می‌آورد ، حقانیت دیکتاتوری پرولتاریا را نشان میدهد .
 اگر اینک در کشورهای به اصطلاح سوسیالیستی خود نمیتوانند
 نظر خود را در مورد حکومت بدهد و هیچکس نمیتواند در مطبوعات
 و رادیو و تلویزیون از حکومت انتقاد کند، اگر اکنون کارگران و
 زحمتکشان در شوروی و دیگر کشورهای "سوسیالیستی" استثمار
 می‌شوند، اگر در کشور شوروی سوسیالیسم اجرا نمیشود و کشور
 شوروی به کشوری امپریالیستی تبدیل شده است ، از این جهت است
 که کارگران در حکومت باقی نمانده‌اند و بجای دیکتاتوری پرولتا-
 ری ، دیکتاتوری سرمایه حاکم است و درست بهمین خاطر است که :
 " حتی در اتحاد شوروی و در کشورهای سوسیالیستی دیگر بحث
 دیکتاتوری پرولتاریا باقی نمانده است " و بورژوازی امپریالیستی
 حکومت را قبضه کرده و زیر نام سوسیالیسم از نظام سرمایه‌داری
 دفاع می‌کند *

جایگاه حزب دمکرات در جهان بورژوایی

تضاد " بحث کوتاه " با دیکتاتوری پرولتاریا ، تضاد طبقه
 سرمایه‌دار با طبقه کارگر و زحمتکش است و " بحث کوتاه " با این
 مطلب هم سرنوشتی و اتحاد طبقاتی حزب دمکرات را با بورژوازی
 جهانی اعلام می‌کند .

" بحث کوتاه " در ادامه خویش ، جایگاه حزب دمکرات را در
 میان دسته‌بندی‌های جهان بورژوایی تعیین نموده و نشان میدهد که
 وابسته به کدام جناح است :
 " بنابراین ، ما باید سوسیالیسمی را پیاده کنیم که

* به " دو توضیح " در پایان نوشته حاضر رجوع کنید .

دموکراتیک باشد ...،" برای مثال ، اکنون در فرانسه آزمایش تازه‌ای آغاز شده است . بدیهی است نمیتوان انتظار داشت که به این زودیها جامعه فرانسه از اساس متحول شود، اما اینک حکومت سوسیالیستی فرانسه از لحاظ اقتصادی و اجتماعی درست آن چیزی را انجام میدهد که مورد نظر حزب کمونیست فرانسه است ... [و این] آزمایش اگر پیروز شود نمونه‌ای از سوسیالیسم دموکراتیک خواهد شد " (۱۳)۰

سوسیالیسم دموکراتیک ، که کلیه اروکمونیست‌ها - و از جمله آنها حزب کمونیست فرانسه - آنرا علم کرده‌اند، یک ایدئولوژی رویونیستی است که سالهاست از طرف کمونیست‌ها رسوا شده است . فریب طبقه کارگر اروپا به اینکه از طریق پارلمان میتوان قدرت سیاسی را در دست گرفت ، سنگ بنای " سوسیالیسم دموکراتیک" است . اکنون احزاب کمونیست اروپا مدافع حاکمیت سرمایه امپریالیستی در بین صفوف طبقه کارگر اروپا می باشند .

تقلید حزب دمکرات کردستان ایران از سوسیال دموکراسی اروپا دومرتبه فریبکارانه است : اول بخاطر اینکه در چهارچوب نظام سرمایه‌داری امکان تبدیل ایران به کشوری صنعتی همچون فرانسه ، وجود ندارد، و دوم اینکه سوسیالیسم دموکراتیک در اساس ، خود همان جامعه امپریالیستی اروپا ، و نه سوسیالیسم است .

مطرح کردن سوسیالیسم دموکراتیک از جانب " بحث کوتاه " تغییر مسیر حزب دمکرات بسوی سوسیال دمکراسی اروپا و بطور کلی کشورهای غربی است و بدین ترتیب جایگاه این حزب را در میان دسته‌بندی های جهان بورژوازی ، نشان میدهد .

جعفر شفیعی

دو توضیح

(۱) سرمایه‌داری، اینک بمثابه یک نظام اقتصادی و اجتماعی در عالیترین مرحله خویش، یعنی مرحله امپریالیسم است. امپریا-لیسم تبدیل به سیستم جهانی سرمایه‌داری شده و تقسیم جهان در بین دولت‌ها و نیروهای امپریالیستی، کامل شده است. امپریالیسم در سطح جهان، بنا بر ماهیت خویش، تقسیم‌کار اساسی را ایجاد کرده است:

در کشورهای امپریالیستی، سرمایه به شیوه‌ای بیش از حد انباشت و متمرکز شده است، در این کشورها این سرمایه زیاد و عظیم، بدلیل ویژگیهای قوانین نظام سرمایه‌داری، بدلیل اینکه آن سرمایه‌ای که صرف کارخانه و ماشین و معدن و از این قبیل — میشود (سرمایه ثابت) بسیار بیشتر از آنست که صرف خریدن نیروی کار کارگران میشود (سرمایه متغیر)، منافع کمی عایدش می‌گردد. هرچه سرمایه ثابت بیشتر توسعه یابد، منافع سرمایه امپریالیستی روبه کم شدن میرود. این خود یکی از تضادهای نظام سرمایه‌داری است.

در اینجا است که سرمایه برای یافتن بیشترین منافع بدنبال راه دیگری است، رفتن به کشورهای تحت سلطه (مانند ایران)، که در آنها نیروی فراوان و عظیم و ارزان کارگران و زحمتکشان وجود دارد و میشود به قیمت کم از آنها بخرد و بکار بیندازد، سرمایه

امپریالیستی در اینگونه کشورها بعلت وجود این نیروی فراوان و ارزان ، (وبعلت پائین بودن ترکیب ارگانیک سرمایه یعنی نسبت سرمایه ثابت / سرمایه متغیر سودی میبرد که هیچگاه در کشور خویش آن اندازه نیست .

برای حفظ این شرایط مناسب (مناسب برای سرمایه امپریالیستی) یعنی برای ابقای کارگران و زحمتکشان در فقر و تنگدستی طوری که همواره آماده باشند با کمترین دستمزد بیشترین کارها را انجام دهند، لازمست این کارگران و زحمتکشان ، از هرگونه حقی ، ازهر گونه دموکراسی و آزادی بی بهره باشند . به این دلیل دولتهای این نوع کشورها باید مستبد و دیکتاتور باشند و هرگونه جنبش انقلابی و دموکراتیک را در خون بغلطانند . یعنی حفاظت سرمایه نیازمند دیکتاتوری و ارتجاع است .

در چنین وضعی ، نه فقط سرمایه امپریالیستی ، بلکه هر نوع سرمایه دیگر درکشورهای تحت سلطه ، از شمره و دسترنج استثمار این نیروی فراوان و ارزان بهره می برد . در اینجا همه بخشهای سرمایه - اعم از انحصاری و غیر انحصاری - در استثمار شدید کارگران شریک‌اند و از همدیگر پشتیبانی می کنند . بعبارت دیگر سرمایه‌ای که علیه این نظام باشد ، نمیتواند وجود داشته باشد . در اینگونه کشورها رشد کردن یا نکردن صنعت ، ایجاد فـلان کارخانه یا ایجاد نشدن آن مطابق با نیازهای سرمایه امپریالیستی برپایه بدست آوردن فوق سود سرمایه امپریالیستی مقرر میگردد . بهمین خاطر است که میگوئیم در عصر امپریالیسم ، تبدیل شدن کشوری تحت سلطه امپریالیسم به کشوری مستقل سرمایه‌داری که در آن صنعت بدور از منافع مونوپل و در راه بهره‌مند کردن توده‌های مردم رشد کند ، خیال است .

برای اطلاع از این مسئله توجهتان را به جزوه " اسطوره بورژوازی ملی و مترقی " نوشته رفیق منصور حکمت جلب میکنیم .

۲) آقای کریم حسامی ، در " بررسی بحث کوتاهی درب—اره سوسیالیسم " از دیدگاه منافع و مصالح امپریالیسم شوروی ، از تغییر مسیر حزب دمکرات بطرف سوسیال دموکراسی اروپا ، انتقاد می گیرد. " بررسی " در دفاع از شوروی می گوید :

" آشکار است که در اتحاد شوروی طبقات بمثابه طبقه جدا از هم باقی نمانده اند، دیکتاتوری پرولتاریا وظیفه خود را انجام داده است ، طبقات مختلف را از بین برده و سوسیالیسم متکامل را مستقر کرده و خود از بین رفته است " .

آن سوسیالیسم متکاملی که " بررسی " از آن صحبت می کند ، یعنی امپریالیسم شوروی ، همان است که چه در شوروی و چه در دیگر کشورها بخصوص کشورهای تحت سلطه به استثمار کارگران و زحمتکشان مشغول است . در تقسیم امپریالیستی جهان سهم است ، کشورهای کوچک و ضعیف را به زیر غل و زنجیر خود می کشد و مناطق نفوذ خود را گسترش میدهد ، و ماشین جنگی و میلیتاریزمی وسیع ایجاد کرده است .

شوروی تکیه گاه رویزیونیسم مدرن در جهان است و چه از نظر ایدئولوژیک و چه از نظر سیاسی ، نظامی و مالی ، یاری دهنده رویزیونیسم در جنبش طبقه کارگر جهانی میباشد .

کتابخانه جهان دیجیتال!

www.iranarchive.com